

برقراری عوارض سفر، برای حفظ محیط زیست

عباس محمدی

عکس: فاطمه خدادادی

در ایران، سفر بسیار زیاد انجام می‌شود؛ چندی پیش فرمانده پلیس راهنمایی و رانندگی کشور گفت که ایرانیان هفت یا هشت برابر اروپایی‌ها سفر می‌کنند! به نظر نمی‌رسد که هیچ کجای جهان پدیده‌ای مانند سفرهای نوروزی ایران که در آن بیش از نیمی از جمعیت کشور به مدت دو هفته جابجا می‌شوند، وجود داشته باشد. چنین است، سفرهای تابستانی به استان‌های کوچک حاشیه دریای خزر که در سه ماه پذیرای حدود بیست میلیون نفرند. این حجم بالای سفر، چون بدون رعایت اخلاقیات زیست محیطی انجام می‌شود، فشار سنگینی را بر طبیعت کشور وارد می‌سازد.

رادیو و تلویزیون و دیگر رسانه‌ها با سخن سرایی‌های مفصل در باب فواید سفر، مقام‌های دولتی با دادن مرخصی و برقرار کردن روزهای تعطیل پیوسته، مربیان آموزشی با پرسش از دانش آموزان و دادن موضوع انشای «تعطیلات را چگونه گذرانید؟»، پلیس با یک طرفه کردن جاده‌ها و مستقر ساختن نیروهای کمکی در جاده‌ها، هلال احمر با دادن راهنماهای سفر در چادرگاه‌های بین جاده‌ای، دیگر اشخاص تاثیرگذار، مستقیم و غیرمستقیم، با روش‌های متفاوت، سفر کردن را تشویق و تسهیل می‌کنند. در مورد بسیاری از موضوعات ریز و درشت مربوط به سفر مانند چگونگی تجهیز خودرو، یافتن نقاط دیدنی، محل‌های اقامت، حفاظت خانه‌ای که ترک می‌کنید و ... اطلاعات بسیاری می‌دهند، اما تقریباً هیچ‌گاه از آداب گردشگری مسوولیت‌پذیر نمی‌گویند. به بیان دیگر، سفر در ایران ولنکارانه انجام می‌شود و مدیران و همگان این را پذیرفته‌اند.

یک اصل کلی در حفاظت محیط زیست می‌گوید که آلوده کنندگان باید هزینه کار خود را بپردازند. کار فرهنگی و آموزش که بسیار هم لازم و جزو وظیفه‌های دولت است، اگر همراه با اجبار قانونی و جریمه نباشد، تاثیر ناچیزی خواهد داشت. همچنین، اگر مصرف مواد آلوده کننده محیط زیست هزینه‌بر نباشد، انگیزه کافی برای مصرف کم‌تر آن وجود نخواهد داشت.

من پیشنهاد می‌کنم که دولت و شهرداری‌ها، عوارضی وضع کنند تا مسافران ورودی به مناطق توریستی، از جمله مناطق شمالی کشور که بیش از سایر نقاط آماج حضور گردشگران است، هزینه جمع‌آوری زباله‌های تجزیه ناشدنی خودشان را بپردازند. می‌دانیم که عمده هزینه بازیافت، مربوط به جمع‌آوری زباله‌ها و انتقال آنها به مراکز بازیافت است (هزینه حمل و نقل). بخش مهم دیگری از هزینه بازیافت هم مربوط به تفکیک زباله‌ها است؛ مخلوط کردن تر و خشک و رها کردن ظرف‌های پلاستیکی یا ته مانده مواد غذایی و جز آن، کار بازیافت را هزینه‌بر، دشوار و گتیف می‌سازد. چند راه برای تشویق همراه با اجبار قانونی وجود دارد که با آنها می‌توان به مردم یاد داد در مورد مصرف بطری‌ها و دیگر ظرف‌های دور انداختنی، مسوولانه رفتار کنند.

در عین حال، با این روش‌ها می‌توان هزینه حمل و تفکیک ظرف را از هزینه مواد مصرفی آن جدا کرد:

- ظرف‌های دور انداختنی، گروبی داشته باشند تا خریدار انگیزه‌ای برای پس دادن آن به فروشنده داشته باشد.
- تولیدکنندگان نوشابه و دیگر موادی که در ظرف‌های یک بار مصرف عرضه می‌شوند، موظف به ارائه طرح جمع‌آوری ظرف‌های خود شوند.
- دادن یارانه به تولیدکنندگان ظرف‌های یک بار مصرف قطع، یارانه و تسهیلات دیگر به بازیافت‌کنندگان داده شود.
- مالیات بر تولید و فروش کیسه‌های نایلونی و ظرف‌های دورانداختنی افزایش یابد.
- دادن کیسه نایلونی نازک و مجانی در فروشگاه‌ها و استفاده از رومیزی یک بار مصرف در رستوران‌ها ممنوع شود.
- شهرداری‌ها از تحویل گرفتن زباله‌های درهم رستوران‌ها و فروشگاه‌ها و هیات‌های مذهبی خودداری کنند و آنها را مکلف به تحویل دادن جداگانه ظرف‌های یک بار مصرف کنند.
- در شهرهای توریستی، شهرداری‌ها در هتل‌ها، مهمان‌پذیرها، مجتمع‌های ویلایی و نقاطی مانند ساحل و پارک، از مسافران «عوارض محیط زیست» بگیرند. روشی که بر گرفتن عوارض نقدی ترجیح دارد، این است که کسانی که پسماند خشک به مراکز جمع‌آوری تحویل دهند، بر اساس وزن پسماند تحویلی، «بن محیط زیست» بگیرند و آن را به جای عوارض محیط زیست بدهند. مبلغ عوارض نباید آن قدر کم باشد که انگیزه‌ای برای گرفتن بن محیط زیست نباشد. سامانه بن محیط زیست (که نام آن می‌تواند بوم بن باشد)، کار بازیافت و جمع‌آوری پسماند را اقتصادی‌تر می‌کند.
- از سازندگان ویلا در استان‌های شمالی، عوارضی برای کمک به احداث مراکز جمع‌آوری و بازیافت پسماند گرفته شود.
- در آزادراه‌ها، مبلغی به عنوان عوارض محیط زیست، به منظور پاک‌سازی اطراف جاده‌ها گرفته شود. در این نقاط هم «بن محیط زیست» به جای پول نقد پذیرفته شود.
- به بازیافت‌کنندگان اجازه داده شود که متناسب با حجم کار خود، بن محیط زیست بفروشند. این فروش می‌تواند یکی از عوامل تشویق برای سرمایه‌گذاری در این رشته باشد.

ممکن است بگویند که اجرای کارهای بالا، دشوار است و نارضایتی‌هایی را در پی خواهد داشت؛ اما، تقریباً تمام این کارها سال‌ها است که در کشورهای پیشرفته‌تر انجام می‌شود و در ایران هم با کمی کار فرهنگی و سپردن بخشی از کارها به سازمان‌های غیردولتی، قابل اجرا است.

موسسه علمی و مطالعات
 رتال جامع علوم انسانی